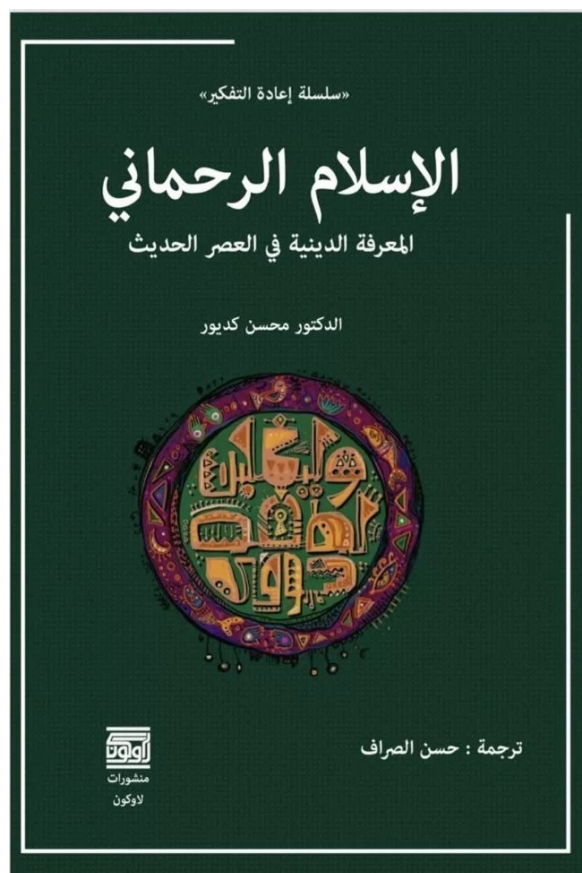


# انتشار کتاب «اسلام رحمانی: معرفت دینی در دوران مدرن» به عربی



محسن كديور

۷ دی ۱۴۰۲

در آذر ۱۴۰۱ ترجمه عربی مجموعه مقالات دیگری از اینجانب با عنوان «اسلام رحمانی: معرفت دینی در دوران مدرن» با مشخصات زیر در عراق منتشر شد:

محسن کدیور، الإسلام الرحمانی: المعرفة الدينية في العصر الحديث، ترجمة حسن الصراف، (منشورات لاوکون، بغداد، ۲۰۲۲)، ۱۳۶ صفحه.

کتاب مجموعه چهار گفتار همراه با مقدمه اختصاصی مؤلف بر ترجمه عربی به شرح زیر است:

- اسلام رحمانی، ۲ مرداد ۱۳۸۹.
- اخلاق محمدی، ۲۵ بهمن ۱۳۸۸.
- معرفت معتدل دینی: بازاندیشی اعتقادی در زمینه‌ی دین، اسلام، و قرآن، ۱ آبان ۱۳۹۴.
- معرفت معتدل مذهبی: بازاندیشی اعتقادی در زمینه‌ی پیامبر، تشیع و ائمه، ۲ آبان ۱۳۹۴.

## مقدمه اختصاصی مولف بر ترجمه عربی

در دوران معاصر، اسلام از چند ناحیه با سوء تفاهمها و سوء عملکردها مواجه است. از یک سو جریانهای خشنی که برای سیطره آنچه حق می‌پندارند از نقض حقوق آزادی انتخاب و آزادی بیان و خصوصاً حق حیات دیگران ابایی ندارند و با اعمال زور، اجبار و حتی ترور سیمایی به غایت کریه به نام اسلام به نمایش گذاشته‌اند. از سوی دیگر حکومتهایی به نام اسلام به قدرت رسیده اما دغدغه اصلی زمامداران آنها نه منافع ملی است و نه عمل به رضایت و رأی شهروندان. شریعت را به مثابه قانون حکومتی پنداشته‌اند، و اقامه برخی ظواهر شریعت به قیمت برباد رفتن باطن دیانت تمام شده است. از جانب سوم معرفی اسلام در بسیاری رسانه‌های غربی بزرگ‌نمایی مسلمانان بنیادگرا و حکومت‌های اسلامی اقتدارطلب و غفلت‌عمدی از گرایش غالب در اکثریت قاطع مسلمانان جهان اعم از اهل سنت و شیعه، و دامن زدن به «اسلام هراسی» است. از جانب چهارم شاهد جریان‌های تجدیدنظرطلب در میان برخی مسلمانان روشنفکر هستیم که متأثر از سه جریان پیش‌گفته به جای اینکه اشکال را در سوء برداشت و عملکرد سوء برخی مسلمانان جاهل تندرو یا حکومت‌های اقتدارگرا به نام اسلام در برخی کشورهای سنی یا شیعی یا تبلیغات منفی اسلام‌هراسانه در جریان مسلط رسانه‌ای غرب بیابند، اشکال را اصل اسلام، کلام الهی و سنت نبوی یافته به دنبال جراحی در اصل اسلام و تغییر هندسه آن افتاده‌اند و محصول کارشان جز تکرار مدعیات اسلام‌ستیزان با الفاظی دیگر نیست.

«اسلام رحمانی» جریانی است که معتقد است که مسلمانان چه سنی و چه شیعه نیازمند بازاندیشی در معرفت دینی خود هستند که نتیجه منطقی آن اصلاح برخی عملکردها است. در این اصلاح معرفت و عمل دینی الگوی مسلمانان پیامبرشان است که کتاب خدا او را «رحمة للعالمین» و «اسوة حسنة مؤمنان» معرفی کرده است. «اسلام رحمانی» اضافه کردن چیزی به دین خدا نیست که در آن نبوده است، بلکه برجسته کردن عنصری محوری است

که مورد غفلت واقع شده است. در دوران اسلام هراسی و سوء رفتار برخی مسلمانان جاهل خشن و یا برخی حکومت‌های اقتدارگرا که از نام اسلام استفاده ابزاری می‌کنند صفتی که بیش از همه باید مورد تأکید قرار بگیرد. «رحمت» است، رحمتی که خداوند رحمان و رحیم بیش از همه اسمای حسنائش خود را به آن متصف کرده است. در «اسلام رحمانی» عقلانیت و رجوع به دستاورد علوم بشری در حوزه گسترده فهم قوانین طبیعی و اجتماعی هرگز به بهانه درک وحی و شرع مورد غفلت قرار نمی‌گیرد، و به جدایی کارکرد نهاد دین (حوزه های علمیه، مساجد و روحانیت) از نهاد قدرت (دولت) توجه ویژه می‌شود.

اسوهی حسنه بودن محمد بن عبدالله (ص) معنایش لزوم شناخت عمیق تر «خُلُقِ عَظِيمٍ» ایشان است. دینی که پیامبرش «حبيب الله» است، مگر می‌تواند بدون محبت آغاز شود؟ دینی که «تتميم مكارم اخلاق» هدف بعثت پیامبرش بوده مگر پیروانش می‌توانند بدون رعایت موازین اخلاقی به جایی برسند؟ قاعده طلایی اخلاق (آنچه بر خود نمی‌پسندی برای دیگران می‌پسند) در صدر مکارم «اخلاق محمدی» است. اگر به دنبال سعادت اخروی هستیم معیارهای سه گانه آن را باید در سنت پیامبرمان بجوییم. وصایای پیامبر به صحابه از جمله معاذ بن جبل دروسی است که مسلمان همواره به آن نیازمندند. بخش قابل توجهی از وصایای اخلاقی پیامبر (ص) وصایای ایشان به علی بن ابی طالب (ع) است که از جمله آنها مصادیق اعلاى مكارم اخلاق می‌باشد.

از جمله موازین اعتدال معرفت دینی که می‌توان از آنها به معالم دین تعبیر کرد امور زیر است:

از دین نمی‌توان انتظار تبیین علمی جهان، تدبیر سیاست و اقتصاد و حقوق یا پاسخ‌گویی به همه‌ی پرسشهای انسانی را داشت. از دین هشت انتظار معتدل رواست: معنی بخشی به زندگی، شناخت امر متعالی (مبدء)، شناخت سرای دیگر (معاد)، شناخت عوالم غیب، ضمانت اخلاق، مناسک و عبادات، شبه مناسک (توقیفیات غیرتعبدی)، و رئوس معاملات (ارائه برخی سرخطها در مناسبات انسانی).

شرط ضروری نجات اخروی، ایمان به خداوند، ایمان به آخرت و عمل صالح است، چه فرد مسلمان باشد چه نامسلمان، یعنی اسلام «طریق اقوم به نجات» است نه این که «موضوعیت» داشته باشد. «اسلام شناسنامه‌ای» کسی را به بهشت نمی‌برد و از دوزخ نمی‌رهاند.

قرآن کتاب هدایت است نه کتاب قانون و علم. قرآن منبع اصلی و نخست تعالیم اسلامی است اما تنها منبع نیست. هیچ امر اسلامی نمی‌تواند معارض با قرآن باشد، اما هر امر اسلامی لازم نیست مدرکی قرآنی داشته باشد. بدون فهم قرآن هیچ فهمی از اسلام کامل نیست، اما فهم کامل از اسلام بدون درک سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (برای شیعیان) و صحابه (برای اهل سنت) حاصل نمی‌شود (شرط لازم اما غیرکافی). فهم قرآن نیز بدون میراث سنتی علوم اسلامی و دستاوردهای دانشهای جدید مرتبط میسر نیست.

از جمله امهات موازین اعتدال مذهبی در دوران ما نکات زیر است:

لزوم بازاندیشی در جایگاه پیامبر در اسلام و قرآن: محمد (ص) ناقل وحی است نه مؤلّد آن. محمد (ص) تابع وحی است نه برعکس. خدا با صراحت تمام از «محمد محوری» در اسلام جلوگیری کرده است. «پیامبر محوری» خلاف روح قرآن است چه برسد به «امام محوری»! اسلام «خداحور» است و این نقش اساسی را نیز برخلاف آئین یهود محرف تعطیل نکرده و همواره خود به عهده دارد و به احدی هم تفویض نکرده است. محوریت خداوند در اسلام یا «توحید» که به تابعیت پیامبر از کلام الهی تعبیر شده از «معالم اسلام» است. قرآن و وحی را تابع محمد دانستن غفلت از اصل اصیل توحید است.

لزوم بازاندیشی در جایگاه تشیع در سعادت اخروی: هر مسلمانی بلکه هر موحد و هر صالحی امکان نجات دارد. اصل نجات اخروی هیچ شرط دیگری ندارد. مسلمانان اهل سنت به دلیل مذهبشان از بهشت محروم نشده و به جهنم نمی‌روند، هم‌چنان که شیعیان اهل بیت تنها به دلیل ایمان مذهبی شناسنامه‌ای بهشت برایشان تضمین نشده

است. ولایت اهل بیت (ع) چیزی جز «طریق اقوم» به ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح نیست. هر که معصیت کند با هر مذهبی اگر توبه نکند عقاب می‌شود، شیعه باشد یا سنی. هر که مؤمنانه عمل صالح انجام دهد پاداش نزد خدا محفوظ است سنی باشد یا شیعه. اگر ولایت اهل بیت (ع) مانع از ارتکاب معاصی نشود، ما را در آخرت نجات نخواهد داد. ملاک محکم برائت از نار و رع و تقوی است نه چیز دیگر. امام حسین (ع) دستگاه متفاوتی در مقابل موازین الهی و نبوی و قرآنی برپا نکرده است.

لزوم بازاندیشی جایگاه امامان اهل بیت: دو گونه امام‌شناسی داریم که خیلی با هم تفاوت دارد. امام‌شناسی نوع اول تفکر عُلات مُفَوَّضه است، کسانی که می‌پندارند خداوند تدبیر امور عالم را به پیامبر (ص) و سپس به ائمه (ع) تفویض کرده است، و آنها به اذن خداوند دنیا و آخرت را می‌گردانند. امور دنیوی از قبیل پایداری آسمان و بارش باران و تابش خورشید و امور اخروی از قبیل حساب و کتاب و ثواب و عقاب با ائمه است. گونه‌ی دوم امام‌شناسی این است که ائمه‌ی هدی منصوص از جانب پیامبر یا امام قبل از خود هستند. عالم به علوم لازم با اکتساب مستقیم در محضر پیامبر یا امام قبل و برخوردار از «طهارت معنوی»، سرآمدِ اخلاص، تهذیب، تزکیه، تقوی و ورع بوده‌اند. همانند پیامبر «فرا-انسان» نبوده‌اند، از سرشت متفاوتی خلق نشده‌اند. کار دنیا و آخرت به ایشان و به هیچ کس دیگر تفویض نشده است. در این مدرسه ائمه‌ی اهل بیت «علمای ابرار» هستند. ما کارکرد اصلی ائمه (ع) را ارائه‌ی معارف ضروری دین در ناحیه‌ی اعتقادات، اخلاق و احکام فقهی و اسوه‌ی نیکوی عملی می‌دانیم، نه اینکه ایشان همانند مسیحیت محرّف دستگاه مستقلی برای شفاعت و توسل پیروان شناسنامه‌ای خود تاسیس کرده باشند.

نکات فوق مفاد چهار مقاله این کتاب است که بین سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در برخی مجالس دینی برای مسلمانان فارسی زبان ساکن ایالات متحده آمریکا القا شده و در وبسایت نویسنده منتشر شده‌اند. نویسنده که گفتار

خود را قبل از القا به رشته تحریر در آورده مجالس دینی را نه تنها مجلس ذکر و وعظ که مجلس معرفت و بطور مشخص اصلاح معرفت دینی دانسته است. در این درس گفتارها در کنار نقد برخی جریانهای بنیادگرایانه، سنتی، غالیانه و تجدیدنظرطلبی‌های روشنفکر مآبانه جنبه ایجابی کار بسیار برجسته‌تر است و کوشیده شده رویکردی نواندیشانه و اصلاح‌گرانه به نام «اسلام رحمانی» عرضه شود. نویسنده در این گفتارها از موضع یک مسلمان شیعه‌ی جعفری اصولی نواندیش سخن گفته است. معرفت دینی (اسلامی) و مذهبی (شیعی) عرضه شده در این کتاب معتدل است. هر موحد صالحی را به تناسب میزان ایمان و عملش اهل نجات می‌داند. با حفظ هویت دینی و مذهبی خود به اسلام اهل سنت، دیگر مذاهب شیعی، و اخباری‌گری احترام می‌گذارد، و با همه آنها اهل گفتگو و نقد است. گفتگو و نگاه انتقادی منصفانه و منضبط هم استثنایی ندارد، سنی، شیعه، سنتی و روشنفکر را شامل می‌شود. در نواندیشی دینی هم تا آنجا پیش می‌رود که حریم کتاب خدا و سنت رسولش حفظ شود.

مخاطب اصلی این کتاب جوانان و تحصیل‌کردگان مسلمانی هستند که دغدغه و درد دین دارند و می‌خواهند در دنیای مدرن هویت دینی و مذهبی خود را حفظ کنند و بین علوم سنتی اسلامی و علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی جدید گفتگو و تفاهم ایجاد کنند. اگر مخاطب پیام این کتاب مختصر را پسندید، می‌تواند به کتب تفصیلی و مشروح مراجعه کند. لازم به ذکر است که خوانندگان عرب زبان قبل از خوانندگان فارسی زبان این کتاب را می‌خوانند، چرا که نویسنده در کشور خود ایران ممنوع القلم و ممنوع الانتشار است!

مترجم جوان اما ماهر کتاب حسن الصراف به خوبی از پس ترجمه کتاب برآمده است، و ترجمه ای روان، سلیس، دقیق و وفادار به متن در اختیار خواننده گذاشته است. توفیق روزافزون او را از خدای بزرگ خواستارم. این دفتر اول از این مجموعه است و دفترهای بعدی نیز به یاری خدا در راه است. از ناشر محترم کتاب که امکانات خود را در معرفی معارف اصیل دینی و مذهبی در میان نسل جوان و تحصیلکرده کنجکاو و طالب حقیقت قرار داده است

صمیمانه تشکر می‌کنم. از انتقادات اهل نظر استقبال می‌کنم. آراء خود را از طریق ایمیل زیر با نویسنده در میان بگذارید.

[kadivar.mohsen1959@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen1959@gmail.com)

محسن کدیور، دانشگاه دوک، دوروم، کارولینای شمالی، آمریکا، ۲۴ بهمن ۱۴۰۰

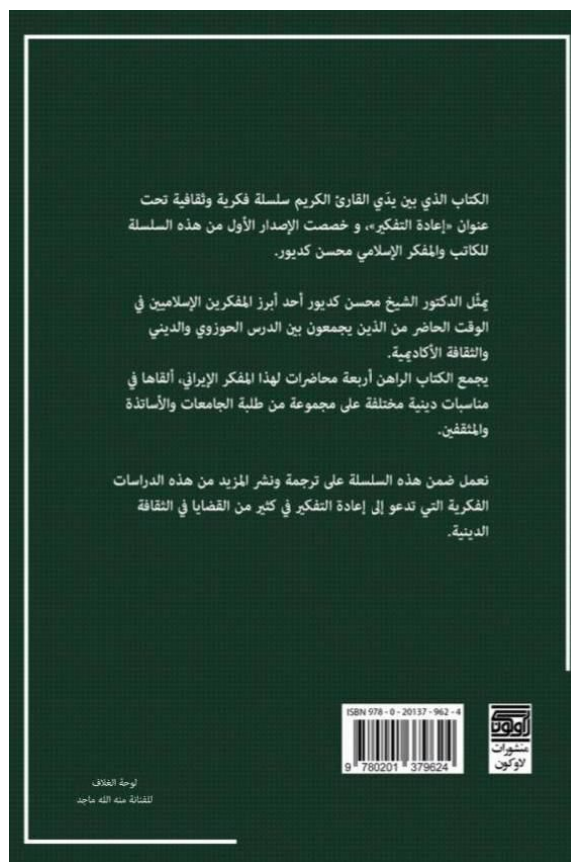
\*\*\*

«الإسلام الرحمانی» ششمین ترجمه عربی و نخستین کتاب من است که در عراق منتشر می‌شود. چهار کار نخست در بیروت و کتاب پنجم در دوحه قطر منتشر شد. بر خلاف دو کتابی که بدون اطلاع و اجازه نویسنده در بیروت منتشر شده‌اند، این کتاب همانند سه کتاب دیگر با اطلاع و اجازه نویسنده منتشر می‌شود. این سومین ترجمه عربی مجموعه مقالات نویسنده است که کتابهای فارسی آنها هنوز امکان انتشار نیافته‌اند! و دومین کتابی است که توسط حسن الصراف از کارهای اینجانب به عربی ترجمه و منتشر می‌شود. انتشارات لاوکون بغداد با مجموعه «بازاندیشی» (إعادة التفكير) و مشخصاً نشر این کتاب افتتاح شد. افسوس عمیق نویسنده که در وطن خود ممنوع القلم مطلق است و هموطنان از مطالعه متن اصلی این کتاب محرومند. سانسور چه ضرباتی بر فرهنگ کشور وارد کرده و می‌کند.

در [فهرست نقدهای مقاله اسلام رحمانی](#) (۳ مرداد ۱۳۹۸) نوشته بودم که «تا کنون ۲۵ یادداشت و مقاله و حداقل سه کتاب در نقد آن منتشر شده است. مهمترین منتقد اسلام رحمانی رهبر جمهوری اسلامی ایران است.» در مقاله [اسلام رحمانی و دشمنانش](#) (۱۹ مرداد ۱۳۹۸) به چهار نکته اشاره کردم: «پیشینه اسلام رحمانی، چکیده مقاله اسلام رحمانی، عکس العمل مقام رهبری در مقابل اسلام رحمانی، و دیگر منتقدان اسلام رحمانی». دو گفتار معرفت معتدل دینی و مذهبی (۱۳۹۴) نقد توأمان روایتهای متحجرانه و تجدیدنظرطلبانه از اسلام و تشیع است.



بعد از طرح دعاوی پیامبر اقتدارگرا از سوی روشنفکر مسلمان تجدیدنظرطلب، در سلسله مباحث انتقادی «چالش اسلام و قدرت: نقد ادعای پیامبر اقتدارگرا» ([گفتار هشتم](#)، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰) نوشتم: «اسلام رحمانی در تعارض همه جانبه با ادعای پیامبر اقتدارگراست. اینکه کسی تصویر دیگری به قرآن، خدا و اسلام نسبت دهد نسبتی بی پایه، گزینشی و نادرست است. خدای «اسلام رحمانی» با «خدای اقتدارگرا» در دو قطب مخالف هستند.» اکنون می توان دومین منتقد جدی اسلام رحمانی را بازشناخت. نزاع اسلام رحمانی با قرائت رسمی اسلام اقتدارگرا و ادعای تجدیدنظرطلبانه پیامبر اقتدارگرا ادامه دارد. این کتاب مقدمه ای برای آشنایی با اسلام رحمانی در این دو عرصه است.



[kadivar.com](http://kadivar.com)

[/https://kadivar.com/21072](https://kadivar.com/21072)

[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.